

رد پای ادبیات دفاع مقدس در دانشگاه نیوجرسی آمریکا

گفت و گو با پال اسپراکمن، مترجم و استاد دانشگاه راتجرز آمریکا



محمدجواد استادی



غزنی روزنامه صبح ایران

ویژه‌سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پال اسپراکمن مترجم و نویسنده آمریکایی که اکنون مدرس دانشگاه راتجرز و نیوجرسی آمریکاست و مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد، مدتی است مشغول ترجمه آثار داستانی با موضوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است. او تاکنون کتاب‌هایی همچون «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، نوشته احمد دهقان، «دا»، خاطرات سیده زهر احسینی، «نورالدین پسر ایران»، خاطرات سیدنورالدین عافی، «پایی که جا ماند»، خاطرات سید ناصر حسینی و «شطرنج با ماشین قیامت» و «داستان‌های شهر جنگی» نوشته حبیب احمدزاده را ترجمه کرده است. اسپراکمن برای ترجمه «دا» چندبار به ایران سفر کرده و با صحبت با راوی و نویسنده کتاب برای درک فضای حقیقی جنگ و دفاع مقدس و با حذف بخش‌هایی از اثر که برای مخاطب انگلیسی زبان قابل درک نبود، رسماً از سال ۸۸ ترجمه کتاب را آغاز کرد. پال اسپراکمن، از ورود کتاب‌های «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «شطرنج با ماشین قیامت» به کتاب‌های درسی ادبیات تطبیقی خاورمیانه و ادبیات معاصر ایران در دانشگاه نیوجرسی آمریکا خبر داد. او در نشست‌هایی که با اعضای حوزه هنری در ایران داشته بود به نکته ظریفی اشاره کرده بود و آن اینکه که کلماتی مانند «ایثار»، «جانبا»، «جانبه‌مندی جنگ» در ادبیات جهان قابل توضیح نیستند و این گونه کلمات بارها در کتاب «دا» و دیگر آثار جنگ تکرار شده اند گفته بود این کلمات نیازمند توضیح و پاورقی اند و این کار برای مترجم دشوار است.

با وجود ایام تعطیلات کریسمس او حاضر شده به اختصار به چند سؤال کوتاه‌ما پاسخ دهد. او لازم به پاسخ کامل به سؤالات ما را انکارش کتابی جامع دانست و مقاله‌ای را نیز به زبان فارسی ارسال کرد که در فرصتی دیگر ارائه خواهیم نمود.



■ آشنایی با زبان فارسی

میلادی دوباره ایران را ترک کرده و مشغول مطالعه شدم و در سال ۱۹۸۱ میلادی دکترای زبان و ادبیات را دریافت کردم. پایان نامه ام درباره زندگی و آثار عبیدزاکانی است. پس از فارغ التحصیلی، شغل‌های مختلفی داشتم؛ معاون بخش خاورمیانه کتابخانه دانشگاه شیکاگو که فرصتی طلایی برای استفاده از مجموعه‌های نفیس نسخ خطی و کتب فارسی محفوظ در کتابخانه‌های معتبر اروپا، خاورمیانه و هندوستان بود. معلم انگلیسی به عنوان زبان دوم و فارسی در دانشگاه راتجرز نیوجرسی نیز از جمله فعالیت‌هایم بوده است. گاهی نیز کتابی را از فارسی به انگلیسی ترجمه می‌کنم. برخی از آثار ترجمه و چاپ شده من عبارتند از: یکی بود یکی نبود، غریب‌زدگی، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (به همراه سپروس غنی)، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، شطرنج با ماشین قیامت و داستان‌های شهر جنگی.

■ رمان «اسماعیل» و زبان ساده فردی

تنه‌ارمانی که من از ادبیات رئالیسم اجتماعی ترجمه نموده‌ام رمان «اسماعیل» است که جناب آقای فردی نوشته‌اند. پیش از این با آثار رئالیسم اجتماعی ادبیات روسیه و از طریق رمان‌هایی چون «فولاد چگونه آبدیده شد» اثر نیکولای استروفسکی، آن‌هم از طریق ترجمه انگلیسی‌اش آشنا شدم. متوجه شدم کسی که کتاب استروفسکی را ترجمه کرده تلاش زیادی کرده بود که زبان ترجمه را با زبان اصلی هماهنگ

زبان فارسی پال اسپراکمن که در اصل اهل نیویورک است در سال ۱۹۶۹ میلادی در افغانستان باز شد. در آن زمان جنگ ویتنام در جریان بود و اسپراکمن فرار را بر قرار ترجیح داده و همراه همسرش سوزان، در گروه صلح در شهر تاریخی غزنی (غزنین) به مدت دو سال خدمت کردند. اومی گوید: من معلم انگلیسی و مثلثات بودم و در دبیرستان سنایی تدریس می‌کردم. بیشتر دانش‌آموزانم هم پسران دکان‌داران و کشاورزان غزنی بودند که علاقه به خصوصی درباره مثلثات از خود نشان نمی‌دادند. اما دروس ریاضیات برای اتمام تحصیلات متوسطه لازم بود و با اخذ دیپلم ارزش آن‌ها در بازار دامادی چند برابر می‌شد. در غزنی آشنایی من با زبان و ادبیات فارسی گسترش یافت و رفته رفته به عشق بدل شد و در اواخر دوره خدمت این شعر سنایی مصداق حال من گشت:

هست سنایی ز عشق بر سر آتش مدام

گشته دل او کباب جاننش پز از جوش بین

پس از افغانستان، ماه‌ها در آسیا و اروپا بودم تا بالاخره به آمریکا بازگشتم و مطالعه خود را در رشته شرق‌شناسی در دانشگاه شیکاگو ادامه دادم. در سال ۱۹۷۳ میلادی به ایران آمدم و به مدت یک سال دانشجوی زبان و ادبیات فارسی خارجی زبانان در دانشگاه تهران بودم. در سال ۱۹۷۴ میلادی به اصفهان رفتم و در دانشگاه اصفهان زبان انگلیسی برای ایرانیان و فارسی به خارجی‌ها را تدریس کردم. در سال ۱۹۷۸